

## نگاهی به جهانی شدن و نابرابری با تأکید بر انداز

فرشید یزدانی بروجنی\*

جهانی شدن وجوه مختلفی دارد . یکی از مهم‌ترین وجوه آن که به شدت بر سازوکارهای نابرابری و فقر تأثیر می‌گذارد، تحرك و آزادسازی سرمایه است . این تحرك علاوه بر ایجاد محدودیت برای نیروی کار در جهت کسب حداقل‌های معیشتی، با قدرت چانه زنی بالای خود در زمینه کاهش مالیات‌ها، به کاهش قدرت دولت‌ها جهت برقراری حمایت‌های لازم اجتماعی از نیروی کار و مردمی، که به شدت از نابرابری‌ها رنج می‌برند، می‌شود. کاهش حمایت‌های اجتماعی، فقر در آمدی را به فقر قابلیت‌تبدیل می‌کند و پیامد ناگزیر آن استمرار و تشدید در فقر و نابرابری است . بررسی ارقام مربوط به برخی از سازوکارهای مرتبط با فقر نیز در ایران موید همین اثرگذاری می‌باشد. جهانی شدن با رویکرد لیبرالی در این عرصه اثرات منفی زیادی بر سطح زندگی اکثریت مردم گذاشته است و بسیاری چاره کار را در تلاش جهت تغییر

---

\* کارشناس ارشد اقتصاد، کارشناس سازمان تأمین اجتماعی  
<yazdani\_far@yahoo.com>

رویکرد جهانی شدن از رویکرد بازار محور به  
رویکرد مردم محور دانسته اند و چاره را در  
گام نخست در بازیابی قدرت دولت ها جهت  
برقراری گسترده حمایت های اجتماعی و اعمال  
نظارت های اجتماعی بر سرمایه می دانند.

کلیدواژه ها: ایران، تحرك سرمایه، جهانی شدن، نابرابری  
تاریخ دریافت مقاله: 84/3/22 تاریخ پذیرش مقاله:  
84/8/1

"پپسی در کوه های آند، و مکدونالد در تبت  
یوسمیتی\* شده زمین گلف ژاپنی ها  
و بحرالمت زنده است، به موسیقی ریپ  
معجزه ست، معجزه ای دیگر  
با عنایت خداوند متعال  
و فشار بازار، نوع بشر متمدن شد. (Waters, 1992)  
جهانی شدن که در آن کاهش قیمت کفش بچه به  
بهای از دست دادن شغل پدرش تمام می شود، هیچ  
ارزشی ندارد"  
(کمیسون جهانی بررسی ابعاد جهانی شدن، 1384)

#### مقدمه

"جهانی شدن" واژه ای دلنشین و بیشتر هولناک .

\* یوسمیتی (Yosemite) پارک جنگلی معروف در ایالت کالیفرنیا ای  
آمریکا است.

دلنشین از آن جهت که می‌تواند نوید تحقق هر چه بیشتر فردیت انسان، آزادی اندیشه و بیان آن، گسترش آزادی‌های اجتماعی، افزایش آگاهی جمعی، تبادل وسیع اطلاعات به دور از کنترل، کشفیات جدید پزشکی و ... باشد و هولناک از آن رو که ناشناخته‌های آن زیاد است و برخی از نمودهای آن از قبیل تجارت انسان و اجزای بدن آن (ناشی از تسلط روحیه کالایی در کنار پیشرفت علم پزشکی)، ایدز، تخریب محیط زیست و صدمه به لایه ازن، تروریسم بین‌المللی، تشدید تضادهای قومی و نژادی، وضعیت نامناسب نیروی کار و آینده مبهم آن، بحران بدهی‌ها و ... که ویرانی انسان‌ها و انسانیت را نشانه رفته است. بدینسان شاید بتوان اساسی‌ترین مشخصه جهانی شدن را ابهام آمیز بودن آن دانست. اما هر چه هست تبیین جنبه‌ها و اجزای آن تکلیفی بر برنامه‌ریزان، سیاستمداران و سیاست‌گذاران و اندیشه‌ورزان جامعه است. گرچه شاید نتوان تمامی آنچه هست را به رشته تحریر در آورد.

آنچه در این مقاله پی‌گرفته می‌شود، تلاش در جهت تبیین جنبه‌هایی از جهانی شدن است که به طور مستقیم بر وضعیت اکثریت مردم، که همانا نیروی کار فاقد مالکیت است، از لحاظ توان درآمد و حفظ کیفیت زندگی اثرگذار است. لذا نخست به ترسیم

نمایی کلان از جهانی شدن پرداخته شده و سپس با تکیه بر برخی اطلاعات توصیفی و آماری ت اثیر جهانی شدن بر نابرابری و فقر مورد بررسی قرار گرفته است.

### 1) جهانی شدن و نابرابری

از جهانی شدن تعاریف مختلفی صورت گرفته است و از لحاظ تاریخی نیز بسیاری آن را دارای قدمتی به قدمت نظام سرمایه داری دانسته اند و برخی دیگر آن را پدیده ای متاخرتر. هر چه هست جهانی شدن پویشی تاریخی است که در فرآیند توسعه نظام سرمایه داری که در متن تغییرات شدید فن آوری شکل گرفته است. محمل اساسی آن "سود" است و در یک رویکرد تاریخی معاصر، به کاهش نرخ سود در سالهای پایانی دهه 1960 برمیگردد، که با تولید جهانی نیز مرتبط میباشد. نرخ سود در اوایل دهه 1970 نسبت به دهه 1960، حدود 16 درصد افت داشت. روند رشد تولید ناخالص داخلی در جهان نیز به آغاز افت آن از دهه 70 اشاره دارد. همانگونه که در جدول ذیل مشهود است نرخ رشد تولید ناخالص داخلی از حدود 5/3 درصد در 1950-70 به 4/3 درصد در دهه 70 رسید. در واقع از آغاز این بحران در این دهه به عنوان مبنای جهان شدن مت اخر نام برده میشود.

جدول 1: متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و صادرات جهانی

شرح	1950-70	دهه 1970	1980-2002
GDP	5/3	4/3	2/2
صادرات	7/9	6	4/6

مأخذ: WTO، 2004

سه تغییر مهم، جهت مواجهه با این بحران توسط شرکت‌های چندملیتی، برخی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به عنوان مهم‌ترین نیروهای محرک جهانی شدن، طراحی و اجرا شد. فرآیند انباشت از انباشت غیرمنعطف به انباشت منعطف صورت گرفت. سازمان تولید فوردی به سازمان تولید پسافوردیسم (یا تویوتائیسم) تبدیل شد و در نهایت این‌که پیوند بازارها و گسترش جغرافیایی آن پیگیری شد. محمل اجرای تمامی آن‌ها فن‌آوری، و به خصوص فن‌آوری ارتباطی و اطلاعاتی بود. گسترش بورس‌های بین‌المللی که قدرت تحرک و انعطاف‌پذیری در انباشت سرمایه را می‌داد مدیون این فن‌آوری بود، به تبع آن تغییر سازمان تولید و گرایش از تولید انبوه به تولید برای بازار، با فن‌آوری ارتباطات رابطه‌ای عمیق داشت و شکستن استبداد جغرافیا جهت بسط بازارها نیز بر این عامل تکیه داشت و "پیشرفت‌های حاصل شده در ارتباطات از راه دور و فن‌آوری اطلاعات، سرزمین‌زدایی تولید را امکان‌پذیر ساخت". (نگری، هارت، 286:1384)

در اینجا لازم است اشاره‌ای به تحرک‌داری‌ها،

به عنوان يك عامل مهم در ارتباط با توزیع درآمد و نابرابري در آن داشته باشیم.

اگر تحرك دارايي ها را به مفهوم محدود، تحرك دارايي ها و توليدات فیزیکی، بگیریم، نمود این تحرك در حجم مبادلات جهانی کالاها تبلور می یابد، چنانچه با تفسیر موسع به این موضوع نگاه کنیم، تحرك و نقل و انتقال سرمایه - که تا حد زیادی از تجارت مستقل است - خیلی گسترده تر از حجم کل تجارت جهانی است. با این مفهوم، انتقال و جابجایی سرمایه و دارایی می تواند به عنوان قوه محرکه اقتصاد جهانی مطرح باشد. در این ارتباط موضوع جهانی شدن بازارهای مالی را نیز می توان به عنوان يك پسزمینه بحث در نظر داشت.

تحرك و گردش سرمایه، اصلی اساسی در روند حفظ، نگهداشت و ارتقاء سرمایه در فرآیند انباشت به شمار می رود. به خصوص در رژیم انباشت منعطف و انباشت فراملی این مسئله اهمیت مضاعف می یابد، که سرعت جذب آن در جستجوی فرصت های مناسب و گریز آن از موقعیت ریسک آمیز نیز از اهمیت زیادی برخوردار است.

این سرعت جذب و گریز نقش مهمی در حفظ تداوم انباشت دارد و "سرمایه داری ناگزیر به شتاب دادن زمان دوران، افزایش سرعت گردش سرمایه و در نتیجه دگرگون کردن افق های زمانی توسعه است.

همچنین سرمایه داری ناگزیر است همه سدهای مکانی را از پیش پا بردارد . (هاروی، 1989) این توان تحرک سرمایه و شفافیت آن می‌تواند به تحقق حذف مرزها یاری رساند . این ویژگی از چنان اهمیتی برخوردار است که برخی "مشخصه اصل اقتصاد جهانی آزاد را انتقال آزاد سرمایه از یک کشور به کشور دیگر به خاطر کسب منابع " می‌دانند . (گریفین، 1996) . این ضرورت با "مقررات زدایی از بازار مالی جهانی به گونه‌ای که اکنون جریان سرمایه تا حد زیادی از کنترل دولت - ملت خارج است " . (هاروی، 1989) و جابجایی سرمایه که اکنون از طریق اقدامات شرکت های چندملیتی در حال انجام است، به انجام می‌رسد. افزایش معاملات ارزی و داد و ستد بین‌المللی اوراق بهادار نیز در این میان حائز اهمیت است. ارزش این معاملات در "طی سالهای 1985 و 1996 بیش از 10 برابر افزایش یافت . از سال 1989 تا 1995 بهای صوری قراردادهای بسته شده در هر سال به دو برابر رسید و این رقم تا سال 1996 به رقمی بالغ بر 41 هزار میلیارد رسیده است و این رقم در آستانه ورود به سال 2000 بالغ بر 500 هزار میلیارد دلار افزایش یافته است . (فعال، 1380) این ارقام نشان دهنده گ‌وشه‌ای از تحرکات سرمایه در سطح جهان است . تحرک سرمایه، که همراه با عوامل مرتبط دیگر مانند " ایجاد

بازار سهام جهانی، باز اרהای سلف کالاهای جهانی، معامله‌های پایاپای نرخ‌های بهره و ارز، تحرك جغرافیایی شتابان پول " (واترز، 1995) موجبات ایجاد يك بازار واحد جهانی برای پول و اعتبار را فراهم ساخته است از مهم‌ترین نکات قابل توجه در این بحث برشمرده می‌شود.

تأثیر پیشرفت فن‌آوری رایانه‌ای و همچنین گسترش کمی و کیفی سازمان بانک‌ها و شیوه‌های بانکداری که نسبت به عوامل محدود کننده‌ای چون زمان، مکان و پول به سرعت بی‌تفاوت می‌شود نیز در این میان تأثیر بسزایی دارد. با این فن‌آوری و سیستم بانکداری "يك خریدار انگلیسی می‌تواند از يك رهن در ژاپن بهره‌مند شود، يك آمریکایی می‌تواند با عابربانک در هنگ‌کنگ از حساب خود در نیویورک برداشت کند و يك سرمایه‌گذار ژاپنی می‌تواند سهامی را از يك بانک اسکاندیناویایی مستقر در لندن که سهامش به استرلینگ، دلار و یا مارک فرانسه است، بخرد (واترز به نقل از تایمز مالی). حال شاید بتوان گفت کلید اصلی قدرت سرمایه در چنین امکانی نهفته است. سرمایه در هر جایی که بویی از ریسک نامتنا سبب با بازدهی خود ببیند، فرار می‌کند و به سرعت محل امن خود را پیدا می‌کند. اما با این همه باز نمی‌تواند از بحران بگریزد، چرا که بحران در ذات آن و همیشه



همراه با آن است. در واقع این سرمایه است که بحران را با خود به جایی می برد، و چهره دیگر این قدرت جابجایی سرمایه، تحرك زیاد بحران است. اما به هر صورت تد اوم حیات آن به این جابجایی است.

بحث انباشت منعطف و سرمایه گذاری های کوچک نیز تا حدودی برآیندی از این مکانیزم تحرك و پویایی است. در سامان نوین سرمایه، جابجایی و سرعت جزء اصلی و پایه ای نظام انباشت به شمار می رود. کاستلز با عنایت بر تکیه زیاد این فرآیند بر فن آوری اطلاعاتی، از این دوران به عنوان اقتصاد اطلاعاتی نام می برد و تأکید می کند که "ویژگی فرآیندگذار تاریخی به سوی جامعه اطلاعاتی، بدتر شدن گسترده شرایط کار و زندگی برای نیروی کار را در برداشت. (کاستلز: 325)

اقتصاد اطلاعاتی ای که تامین کننده چشمانداز طبقاتی است و غالباً عامل ناآگاهی مردم است، سرمایه پویاست. کارگران منعطف و گوش به فرمان بوده و نقشی در این ماجرا ندارند (تاب: 117) و یا اینکه لاقلاً نقش بسیار محدودی دارند. اما در این فرآیند چه اتفاقاتی برای نیروی کار افتاده است؟

ویژگی دیالکتیکی جهانی شدن به پیدایش همزمان فرآیندهای نظم و بی نظمی انجامیده است. در حالی

که اقتصاد جهان در حال پیوند خوردن است، جوامع از همدیگر فاصله می گیرند. "منابع جهانی شدن هم در میان کشورها و هم در درون کشورها به گونه ای نابرابر توزیع شده است. فاصله میان برندگان و بازندگان هر روز فزونی می یابد. شکاف میان کشورهای غنی و فقیر عمیق تر شده است. در پایان دهه 1990 بر خلاف آغاز آن دهه، در کشورهای آفریقایی زیرخط صحرا و آمریکای لاتین، افراد بیشتری در فقر به سر می برند (گزارش کمیسیون های جهانی بررسی ابعاد جهانی شدن، 4:1384). به قول استگیتز؛ جهانی شدن که هدف همگرایی را پی می گرفت به واگرایی منجر شده است.

"سود" که هدف گردانندگان آن بود، فزونش "فقر" را به عنوان طرف دیگر آن گسترش داد. سهم نیروی کار از کل پرداختی ها به عوامل تولید از 23 درصد در 1989 به 17 درصد در 1996 رسید و سرانه پرداختی سالانه نیروی کار به قیمت ثابت طی این مدت از حدود 2400 دلار به 1850 کاهش پیدا کرد. تفاوت میان 20 درصد اول جهان و 20 درصد آخر جمعیت دنیا در پایان جنگ جهانی دوم به نسبت 30 به یک، و در اوایل دهه 1970 به نسبت 60 به یک، و اکنون به نسبت 82 به یک است. (بیرچام، چارلتون، 30:1383)

بحث فقر، توزیع درآمد و مصرف در عصر جهانی شدن

از جمله مسائل مهمی است که به شدت خود را نمایانده است. چون رویکرد اساسی در جهانی شدن، حل مسائل سرمایه است کمتر به نیروی کار و انسان‌ها و آن‌ها هم انسان‌هایی فاقد سرمایه و مالکیت توجه می‌شود. زیرا در "اقتصاد نظام سرمایه‌داری اگر قدرت خرید نباشد افراد به معنای واقعی وجود ندارند" (تارو، 1996) و ترازوی ارزش انسان‌ها با سنگ قدرت خرید کار می‌کند و قدرت خرید افراد نیز به میزان و نوع اشتغال آن‌ها بستگی دارد" و اینان (کارگران) تنها زمانی می‌توانند زندگی کنند که کاری به دست آورند و فقط هنگامی می‌توانند کاری به دست آورند که کارشان بر سرمایه بی‌افزاید" (مارکس، انگلس، 1878)، که با توجه به مباحث پیش‌گفته - به‌خصوص بحث انباشت و سازمان تولید - می‌توان ابتدا به ساکن تصور کرد که عده زیادی از جمعیت جهان کاری نخواهد یافت و در نتیجه فقر با آن‌ها همراهی مدام خواهد داشت

جهانی شدن از این جهت به قطبی شدن هر چه بیشتر دنیا به دارا و ندار کمک کرده است. این قطبی شدن هم در درون جوامع ملی مشهود می‌باشد و هم در فضای بین‌المللی. در جاهایی می‌توان افرادی را یافت که علی‌رغم وجود بیکاری و کم‌کاری بهره‌مندی‌اشان از مواهب زندگی از افرادی که در جامعه‌ای دیگر کار دارند، بیشتر است. و بدا به

حال کسانی که در آن جامعه کار ندارند . يك وجه مهم از تاثیرات منفي جهانی شدن همین موضوع "افزایش نابرابري بين ملت ها و در درون ملت ها است" (سیف، 1378). نابرابري اي که معضل بزرگی در مقابل انسانها و انسانیت است. معضلي که می‌تواند پیامد خطرناك احتضار فضیلت انسانها را با خود همراه داشته باشد.

يك سیاست مهم و تاثیرگذار در این ز مینه سیاست‌هاي تعديل اقتصادي است . این سیاست که در راستاي ساماندهي انباشت فراملي شکل گرفت و "جزئی مهم از سیاست جهانی نئولیبرال که از طریق آزادسازی تجارت و بازارهاي ارز و... در کشورهای وام‌خواه اجرا می‌شود (یغمائیان، 1378)، پیامدهاي منفي زیادی برای کشورهای مچ ري آن به همراه داشته است." برآورد شده که از سال 1982 به خاطر تمرکز ضد مردمی و حتي قتل عام‌گونه‌ي برنامه تعديل ساختاري بانک جهانی - صندوق بین المللي پول، سالانه دستکم 6 میلیون کودک زیر 5 سال مرده اند. اکنون حدود 1/2 میلیون نفر در جهان سوم در فقر مطلق زندگی می‌کنند (تقریباً دو برابر ده سال قبل). از جنبه زیست‌محیطی، دامپروري عظیم تجاري و قطع درختان جنگل‌ها میلیون‌ها نفر مردم بومي را از زاد و بوم خود جدا کرده است . اکنون عموماً اذعان دارند که ت اثیر زیست محیطي صندوق

بین‌المللی پول - بانک جهانی بر کشورهای جنوب به همان ویران‌گری تأثیر اجتماعی و اقتصادی آن بر مردم و جامعه است. این تخریب اقتصادی و اجتماعی در گزارش‌های سازمان ملل متحد نیز به خوبی مشهود است. (به نقل از دیوید سن بادهو، اقتصاددان IMF که در سال 1988، از شغل خود استعفا داد) در گزارش توسعه انس انی 1998، آمده است که مصرف‌کنندگان گسیخته بر فاصله میان داریان و تهیدستان می‌افزاید، 86 درصد از هزینه‌های معطوف به مصرف شخصی را تنها 20 درصد از مردم جهان انجام می‌دهند. مصرف جهانی کالاها و خدمات با افزایش معادل شش برابر نسبت به سال 1975 از مرز 24 تریلیون دلار فراتر رفته است. اما بنا به نظر تهیه‌کنندگان این گزارش، پیامدهای انسانی این الگوی مصرف نمی‌تواند قابل قبول باشد چرا که نابرابری‌های فاحشی در رابطه با دست‌یابی به فرصت‌های مصرف برای مردم جهان وجود دارد و بیش از یک میلیارد نفر از برآوردن نیازهای مصرفی اساسی خود بازمانده‌اند. از میان 4/4 میلیارد انسانی که در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند تقریباً سه پنجم آن‌ها در جوامعی به سر می‌برند که از خدمات اساسی بهداشت محیط محرومند، یک سوم آن‌ها آب آشامیدنی سالم ندارند. یک چهارم فاقد سرپناه مناسب هستند یک پنجم بیرون از حوزه

خدمات به داشته‌امروزی قرار دارند. یک پنجم کودکان واجب‌التعلیم به کلاس پنجم ابتدایی نمی‌رسند و معادل همین نسبت دچار سوء‌تغذیه‌اند. در این گزارش آمده است که در حال حاضر یک پنجم مردم ثروتمند دنیا 45 درصد کل گوشت و ماهی جهان را مصرف می‌کنند. متوسط مصرف پروتئین در فرانسه 115 گرم در روز و در موزامبیک 32 گرم است.

58 درصد کل انرژی جهان را 20 درصد مردم دنیا مصرف می‌کنند در حالی که مصرف 20 درصد مردم فقیر دنیا از 4 درصد کمتر است. 74 درصد خطوط تلفن در اختیار یک پنجم مردم جهان است. در آمریکا، سوئد و سوئیس بیش از 600 خط تلفن به ازای هر هزار نفر وجود دارد. در افغانستان و کامبوج فقط یک خط. میزان سرانه انتشار گاز دی‌اکسیدکربن در آمریکا 21 تن در سال و در چین 3 تن است. یک پنجم مردم فقیر جهان، که از کل دی‌اکسیدکربن سالانه دنیا فقط مسئولیت انتشار 3 درصد آن را به عهده دارند، در معرض بیشترین مخاطرات زیست‌محیطی از قبیل بالا آمدن آب دریاها، قرار دارند. و این تشدید نابرابری به همین صورت ادامه دارد. بنا به گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال 1999 نابرابری در میان کشورهای جهان در درون کشورها از سال 80 بی‌وقفه ادامه داشته است.

در سال‌های پایانی دهه 90 يك پنجم جمعیت جهان با بالاترین سطح درآمد 0/86 تولید ناخالص 0/82 بازارهای صادرات و 0/68 سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در اختیار داشتند. در حالی که سهم يك پنجم فقیرترین جمعیت جهان از این عرصه ها تنها 0/1 بوده است" (گزارش کنگره جهانی اتحادیه های کارگری، دهلی‌نو، 2000). توزیع ثروت نیز در این میان قابل توجه است. مطابق آمارها 86 درصد ثروت جهان فقط به 22 درصد جمعیت جهان تعلق دارد (همان) و به نظر می‌رسد که با توجه به این‌که يك ویژگی جهانی شدن تقویت توزیع نابرابر ثروت میان بخش‌های مختلف جهان و "افزایش فاصله می ان بخش‌های توسعه یافته و توسعه نیافته جهان است" (امین، 1998) این روند رو به تشدید است.

در زمانی که سه نفر از ثروتمندترین مردان جهان ثروتی بیش از مجموع تولید ناخالص داخلی 48 کشور از فقیرترین کشورهای جهان را دارند، دارایی 15 نفر از ثروتمندترین‌های جهان از تولید ناخالص داخلی سراسر آفریقای جنوب صحرا بیشتر است و سرانجام این‌که میزان دارایی 84 سرمایه دار بزرگ جهانی متجاوز از تولید ناخالص کشور چین است که 1/2 میلیارد نفر جمعیت دارد" (لاتوش، 1999) و دارایی خالص 200 نفر از ثروتمندترین افراد جهان طی 4 سال در سال 1998 به دو برابر و

به بیش از یک تریلیون دلار افزایش (گزارش کنگره جهانی اتحادیه‌های کارگری، 2000) می‌یابد. بنا به برآورد سازمان ملل متحد در سال 2003 بیش از 1/1 میلیارد انسان با درآمد کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند. 510 میلیون نفر در جنوب آسیا و 220 میلیون نفر از مردم آفریقا زیر خط فقر زندگی می‌کنند 300 میلیون کودک در سراسر جهان به علت سوء تغذیه دچار عقب ماندگی رشد هستند. سوءتغذیه، کمبود پروتئین و انرژی شایع ترین علت مرگومیر کودکان زیر 5 سال در سراسر جهان می‌باشد و بنا به گزارش یونیسف شمار کودکان خیابانی در دنیا برابر 135 میلیون می‌باشد. چهره مهیب جهانی شدن بیشتر خود را نشان می‌دهد.

به جز در کشور چین که تعداد فقرا کمتر شده است، تعداد فقرا در آسیای میانه، آمریکای لاتین و منطقه کارائیب به ترتیب به 82، 14 و 8 میلیون نفر طی سال های 1990-2000 افزوده شده است. رشد نابرابری در سال های اخیر آمریکا را از ملتی با طبقه متوسط به کشور فقرا و ثروتمندان تبدیل کرده است" (تاب: 35) و در طی سال های 1975-2000 سهم 1 درصد بالای صاحبان درآمد در آمریکا، کانادا و انگلیس از حدود 8 درصد درآمد ناخالص به نزدیک 17 درصد رسیده است. مقایسه بین درآمد سرانه فقیرترین کشورها نیز بیانگر گسترش این



شکاف است.

**جدول 2: درآمد سرانه فقیرترین و ثروتمندترین کشورها**

نسبت فقیرترین به ثروتمندترین (درصد)	ثروتمندترین	فقیرترین	
1/8	11417	212	1960-62
0/2	32339	267	-2002 2000

مأخذ: کمیسیون جهانی بررسی ابعاد جهانی شدن، 1384

يك موضوع مهم چشم انداز استمرار فقر است . عوامل تشدیدکننده فقر قابلیت‌هایی که دارای ارتباط مستقیم با فقر درآمدی است، آینده چندان امیدوارکننده‌ای در صورت استمرار این ساز و کار ترسیم نمی‌کند. در تبیین فقر قابلیت‌هایی گفته می‌شود که بر حسب شاخص‌های انسانی و اجتماعی ارزیابی می‌شود، "توجه اصلی معطوف ارتقا ظرفیت‌های انسانی و کسب توانایی‌های اداره یک زندگی شرافتمندانه است. از این رونه تنها بر دسترسی به تغذیه کافی و مسکن مناسب تأکید می‌شود، بلکه توانایی دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، مشارکت در تصمیم‌گیری و حفظ عزت‌نفس را نیز شامل می‌شود" (راغفر، 1384). حال آن‌که سازوکار پیش‌گفته در خصوص تحرک سرمایه‌ها و رقابت کشورها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی به کاهش کارکرد دولت‌ها در حمایت از شهروندان در مقابل بازار جهانی منجر می‌شود و در نتیجه نابرابری افزایش پیدا می‌کند.

در 30 کشور ثروتمند جهان، میانگین مالیات شرکت‌ها از 37/6 درصد در سال 1996 به 30/8 درصد در سال 2003 رسیده است.

این امر مبین این واقعیت است که "ظرفیت مالی دولت کاهش می‌یابد و این امر به کاهش هزینه‌های دولت در زمینه‌های بهداشت، آموزش، تورهای امنیت اجتماعی، خدمات توسعه کشاورزی و کاهش فقر که برای مردم فقیر حیاتی است منجر شده است" (کمسیون جهانی بررسی ابعاد جهانی شدن : 54) و در واقع یک جایابی بار هزینه‌ای از دوش صاحبان سرمایه به نیروی کار صورت می‌گیرد و چون هزینه‌های زیرساختی و حمایت‌های اجتماعی - به‌خصوص در زمینه آموزش و بهداشت - کاهش می‌یابد افزایش نابرابری‌ها تشدید می‌شود و فقر درآمدی صورت فقر قابلیت‌های امتداد می‌یابد. نگاهی به هزینه‌های آموزشی در کشورهای مختلف طی سال‌های 1992-2000 که اکثراً دارای افت بودند خالی از فایده نیست. این در حالی است که از 680 میلیون کودک در کشورهای در حال توسعه، 115 میلیون، که 65 میلیون آن دختر هستند، به مدرسه نمی‌روند و فقط نیمی از آن‌ها نیز که به مدرسه می‌روند، مدرسه ابتدایی را به پایان می‌رسانند. لازم به ذکر است که مطابق گزارش یونسف در خصوص وضعیت کودکان در 2005، در کل جهان 440 میلیون کودک در سن مدرسه به مدرسه

نمی‌روند. این تضييع و فشار به مردم در حالی است که دست صاحبان سرمایه برای خروج و جابجایی کاملاً باز است و حتی در برخی مواقع (مانند موافقتنامه نفتا) در صورت ایجاد محدودیتی توسط دولت می‌توانند شکایت کنند، اما دولت‌ها روز به روز محدودیت بیشتری برای حمایت از نیروی کار خود پیدا می‌کنند.

به نظر می‌رسد مجموعه آنچه گفته شد، به انضمام مسائل دیگری مانند مسائل مربوط به تخریب محیط‌زیست، استمرار فقر را در پی داشته باشد. نگرانی‌ای که علاوه بر مخالفان جهانی شدن، بسیاری از موافقان آن را نیز به اندی شه واداشته است. نگرانی فزاینده‌ای در مورد جهت‌گیری جهانی شدن احساس می‌شود. " امتیازات جهانی شدن برای شمار کثیری از مردم بسیار مبهم، اما خطرات آن کاملاً واقعی است و بی‌ثباتی آن توانگر و تهیدست، هر دو را تهدید می‌کند. ثروت‌های کلان در حال تولید شدن است. اما مشکلات بنیادین فقر، حذف و نابرابری همچنان به قوت خود باقی است. (کمیسون جهانی بررسی ابعاد جهانی شدن، 3:1384)

## 2) نظری به نابرابری در ایران

گرچه به باور بسیاری ایران هنوز آن چنان درگیر "جهانی شدن" نشده تا بتوان برآیند دقیقی از رابطه آن دو ارائه کرد، اما درجه ان کنونی

نمی‌توان منکرت اثیرگذاری و تاثیرپذیری متقابل يك جز از دیگر اجزا شد و همسویی برخی از پارامترها نیز بر این ارتباط به نوعی تاکید دارد. گرچه بنا به دلایلی چون تکیه بر درآمدهای نفتی - که تا حدودی احساس نیاز به سرمایه خارجی را تعدیل می‌کند - در کنار رویکردهای سیاسی و آماده نبودن شرایط ج‌هت‌گسترش این ارتباط، کمتر رابطه‌ای، در مقایسه با بسیاری کشورهای دیگر صورت گرفته است، اما از بسیاری از جنبه‌ها این ارتباط شکل گرفته است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین وجه تاثیرپذیری از فرآیند جهانی شدن در ایران در پذیرش توصیه‌های نهادهای بین‌المللی - چون IMF و WB - در پذیرش سیاست‌های موسوم به تعدیل اقتصادی بوده است که از سال‌های پایانی دهه 60 آغاز گردید و استمرار آن در قالب سیاست‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی عینیت بیشتری پیدا کرد. سیاست‌هایی که در سال‌های اخیر توسط خود طراحان آن نیز زیرسؤال رفته است.

با این مقدمه و توجه به سازوکارهای کلان توضیح داده شده در قسمت قبلی نگاهی خواهیم داشت به برخی شاخص‌های مرتبط با فقر و نابرابری در ایران از سال‌های پایانی دهه شصت و دهه هفتاد.

گفته می‌شود در طی برنامه اول توسعه "جمعیت زیرخط فقر نسبی افزایش یافته است (مؤسسه عالی

آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، 15:1380-10"، که به عنوان یکی از علل مهم آن می‌توان به کاهش تدریجی اعتبارات برای سهمیه‌بندی کالا و لاغر شدن کمربند حمایتی دولت اشاره کرد. در طی دوره 75-1365 سهم ارزش افزوده خدمات عمومی از GNP از حدود 13/2 درصد به زیر 9 درصد رسید و در کنار آن در دهه 70 نسبت پرداختی‌های عمومی و اجتماعی دولت به کل پرداختی‌ها روند کاهشی به خود گرفت. (جدول شماره 3)

جدول 3: نسبت پرداختی‌های عمومی و اجتماعی دولت به کل پرداختی دولت (درصد)

بخش	سال	1370	1375	1380
عمومی		9	8/1	7/2
اجتماعی		49/4	44/4	29

مأخذ: مرکز آمار ایران، (82-1375)

هزینه‌های عمومی و اجتماعی به نوعی بیانگر اصلاح زیرساخت‌های اجتماعی و توانمندسازی اجتماع جهت مواجهه با فقرقابلیتی نیز به شمار می‌روند. سهم آموزش در هزینه‌های غیرخوراکی خانوارها طی سال‌ها 75-81 از 3/2 درصد به 3 درصد کاهش پیدا کرد و سهم بهداشت طی همین مدت از 10 درصد به 6/6 درصد. طی دهه 70 نسبت هزینه‌های غیرخوراکی بالاترین دهک درآمدی به پایین‌ترین از 20/3 برابر به 24/7 برابر افزایش یافت، یعنی بین این دو طبقه حدود 20 درصد بر شکاف نابرابری افزوده شد.

امکان تحرك سرمایه ها، به خصوص به سواحل جنوبی خلیج فارس و ایجاد مناطق آزاد با این پیشفرض که نیروی کار ارزان - یعنی نیروی کار بدون حمایت‌های اجتماعی - در آنجا عرضه می‌شود، جهت جلب سرمایه‌ها در کنار ناتوانمندی‌های مدیریتی در عرصه کلان و شرکت‌ها، اشتغال غیررسمی را دامن زد. گسترش حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی نیز در همین رابطه قابل ارزیابی است. نتیجه آنکه تعداد کودکان در سن مدرسه که به مدرسه نمی‌روند از حدود 650 هزار نفر در سال 1375 به 1/280 میلیون نفر در سال 1382 بالغ گردید. و بنا به گزارش مربوط به اهداف توسعه هزاره در ایران، نرخ بیکاری جوانان 15-24 سال از 21/8 درصد به بالای 28 درصد رسید. پدیده کودکان کار و کودکان خیابانی حاصل این جریان است. فرآیندی که می‌تواند به تعمیق و استمرار فقر در نسل‌های آتی نیز منجر شود. در حالی که مطابق آمار تعداد پرونده‌های مختومه در دادگاه‌های کشور طی سال‌های 75-81 حدود 1/8 برابر شده است، جرائم دارای منشأ بیشتر اقتصادی رشد بالاتری داشته است. جرائم مرتبط با اختلاس و رشوه 2/7 برابر، سرقت 2/2 برابر، جرائم اطفال 2/6 برابر و عسر و حرج 5 برابر شده است. طی همین مدت تعداد بیکاران از 1/45 میلیون نفر به 3/4 میلیون نفر رسیده است،

که این امر بی‌ارتباط با جریان آزادسازی تجارت و رفع برخی موانع گمرکی و در نتیجه واردات زیاد و به تبع آن، افت در تولید نمی‌باشد.

تحولات در بازار مسکن نیز به عنوان یک شاخص ایجاد امنیت و نما یان‌گر برابری، ادامه همین روند را نشان می‌دهد. "اجرای یک دهه سیاست های آزادسازی در بازار مسکن وضعیت مسکن اقشار کم‌درآمد به خصوص کارگران را با مشکلات زیادی مواجه کرده است" (سازمان ملی زمین و مسکن: 35)، و باعث شده است که 4 دهک درآمدی پایین تقریباً از بازار رسمی مسکن خارج شوند که نتیجه آن گسترش بازار غیررسمی و حاشیه نشینی بوده است. هزینه مسکن کم درآمد (دهک اول درآمدی) در کل هزینه‌های خانوار از حدود 25 درصد در سال 1365 به حدود 45 درصد در سال 1380 رسیده است. و برای دهک آخر این نسبت از 18 درصد به 23 درصد افزایش یافته است. این در حالی است که تعداد اتاق برای کم‌درآمدها از  $3/2$  اتاق به  $2/7$  اتاق برای هر خانوار در دهه 70 رسیده، برای پردرآمدها از  $5/7$  به  $6/2$  اتاق افزایش یافته است. و در خصوص نرخ مالکیت نیز همین فرآیند تکرار شده و از 62 درصد به 56 درصد برای کم‌درآمدها رسیده است. (برای پردرآمدها تقریباً حدود 80 درصد ثابت بوده است). مجموعه آنچه گفته شده بیانگر آن است که

نابرابری در ایران در حال تعمیق است، و بخش زیادی از این نابرابری مربوط به سیاست‌های تعدیل اقتصادی و ارتباط با سازوکار جهانی شدن اقتصاد می‌باشد. تحرك سرمایه‌ها از جمله مهم‌ترین این عوامل می‌باشد که ضمن تضعیف دولت برای حمایت از نیروی کار و محدود کردن امکان مانور آن برای کاهش نابرابری‌ها، با گسترش نابرابری‌های توزیعی، فاصله گروه‌های درآمدی را نیز تعمیق بخشیده است. در پایان نگاهی به سهم درآمدهای مالیاتی ناشی از شرکت‌ها و ناشی از مالیات بر درآمد، که انطباق کلی آن را با بحث‌های نظری پیشینی می‌توان مشاهده نمود نیز خالی از فایده نیست. همان‌طور که در جدول ذیل مشهود است، نسبت درآمد مالیاتی از شرکت‌ها طی سال‌های 80-1365 به طور کلی روند نزولی داشته و از 36 درصد به حدود 29 درصد کاهش یافته و به جای آن سهم مالیات بر درآمد از حدود 15/6 درصد به 20/7 درصد افزایش یافته است. این امر به نوعی مبین جابجایی بار هزینه‌ای از بخش "سود" به بخش "دستمزد" می‌باشد، که به تبع، گسترش نابرابری امری بدیهی در این گونه توزیع سهم هزینه‌های اجتماعی خواهد بود.

جدول 4: نسبت درآمد مالیاتی شرکت‌ها و درآمدها به کل درآمدهای مالیاتی (درصد)

شرح مالیات بر	1360	1370	1380
	36	28	29/3



شرکتها	مالیات بر درآمد	15/6	17/5	20/7

مأخذ: مرکز آمار ایران، (82-1375)

### 3 نتیجه‌گیری

از جمله مهم‌ترین جنبه‌های جهانی شدن، آزادسازی بازارهای مالی و تحرك با لای سرمایه است. آزادسازی و تحركی که وجه مقابل آن ایجاد محدودیت برای نیروی کار و دولت‌ها در پشتیبانی از آن و کاهش هزینه‌های بنیادین (آموزش، بهداشت و...) است که استمرار نابرابری و تشدید آن را در طی زمان در پی می‌آورد. نقش دولت‌ها در این بین تغییر می‌کند، ظرف دولت باقی است، اما کارکرد آن بیش از پیش انضباطی می‌شود چرا که سیاست‌های دولت‌ها برای خدمت به کارکردهای جهانی شدن از طرف سرمایه فراملیتی تجدید سازمان یافته است" (تاب: 87). در کنار آن کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشورها به این محدودیت‌ها دامن می‌زند. در هفتاد کشور درآمد سرانه امروز آن‌ها کمتر از سی سال پیش است و شمار کشورهای با درآمد سرانه کمتر از 900 دلار (کشورهایی که سازمان ملل آن‌ها را تحت عنوان "کمتر توسعه یافته" نام می‌برد) طی این 30 سال از 25 کشور به 49 کشور افزایش یافته است. یک نتیجه مهم این فرآیند جابجایی بار هزینه‌های عمومی از سود شرکت‌ها به

دستمزد نیروی کار است، که در کنار ایجاد شکاف فزاینده میان اقتصاد جهانی رسمی و اقتصاد محلی غیررسمی، ایجاد محدودیت بیشتر برای اکثریت مردم است. جهانی شدن که همگون سازی آرزوها را پی می‌گرفت به افزایش نابرابری‌ها رسیده است، گرچه اندکی از مردم در پوشش، خوراک و اندیشه همگون شده‌اند اما جمع زیادی از فرآیند انباشت کنار گذاشته و به حاشیه رانده شده‌اند. اینان عمدتاً ناظر و قربانیان خاموش این فرآیند هستند. تسلط قوانین اقتصادی بازارگرایی بر قوانین و نهادهای اجتماعی، معضلات اجتماعی جامعه بشری را دامن زده است و به واسطه تأثیرات متقابل و جهانی تحرکات سرمایه، این اثرگذاری مضاعف شده است. رفتار یک صاحب سرمایه در این سوی دنیا به ترک تحصیل فرزند کارگری در آن سوی دنیا می‌انجامد. واگرایی و چندپاره‌گی بیشتر بین جامعه بشری دامن زده شده است. "عدالت اجتماعی" می‌رود که به آنچه هایک بدان معتقد بود بی‌انجامد و فاقد معنا شود و دارونیسم اجتماعی به وجه بارزتری به عرصه عمل درآید. به قول تهیه‌کنندگان گزارش کمیسیون جهانی بررسی ابعاد جهانی شدن، عدم موازنه میان اقتصاد و جامعه در حال نابود کردن عدالت اجتماعی است. عدالتی که به باور رالزیکی از پایه‌های اولیه آن "آزادی فعالیت و

انتخاب شغل" است و "نفي آزادي مشارکت در بازار کار یکی از روش های نگه داشتن مردم در بردگی و اسارت" (سن: 21) به شمار می‌رود.

بررسی‌ها و شواهد در ایران نیز موید استمرار همین فرآیند می‌باشد. محدودیت بودجه‌های مربوط به خدمات عمومی و اجتماعی در بودجه‌های دولت و کاهش سهم بودجه‌های آموزش و بهداشت در بودجه خانوار، افزایش سهم هزینه‌های مسکن، گسترش اشتغال غیررسمی و دورکنار آن اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی، افزایش چشم‌گیر کودکان خارج از مدرسه و گسترش بیکاری جوانان، همگی بیانگر گسترش نابرابری در جامعه و احتمال تعمیق و استمرار آن در فرآیند زمان می‌باشد. گرچه درآمدهای نفتی می‌تواند یاریگری برای کاهش نابرابری‌ها به شمار آید، اما نبود سازوکارهای انسجام یافته و متکی بر اندیشه و باوری جدی در این عرصه، این امکان را نیز به ناکارآیی کشانده است، و در نتیجه "عدالت اجتماعی" در عرصه ملی ما نیز با همان چالش جهانی روبرو شده است.

جدای از وجه ذاتی ویرانگری مناسبات انسانی و ضد برابری نظام سرمایه، آنچه در این شرایط به این وضعیت دامن زده است، "آزادی سرمایه بدون نظارت اجتماعی" می‌باشد (تاب: 221). آزادی‌ای است که محل آزادی نیروی کار در انتخاب کار و روش

زندگی است و نتیجه آن شده است که گفته می شود"، آنچه جهانی شده است، توسعه نیست بلکه فقر است" (کاسترو، در جلسه افتتاحیه اجلاس جنوب). جهت کاهش پیامدهای منفی جهانی شدن مبنی برای ایجاد فقر و گسترش نابرابر آیا می توان کاری کرد؟ جنبش‌های مردمی و ضد جهانی شدن لیبرالی که یک نقطه عطف آن در نوامبر 1999 در سیاتل شکل گرفت، در پی پاسخ این سوال برآمده اند. تاکید مکرر نه تنها این جنبش‌ها که نهادهای بین المللی بی‌طرفتر بر این است که "مسیر کنونی جهانی شدن باید تغییر کند" (کمیسیون جهانی بررسی ابعاد جهانی شدن، 1:1384) و باید دانست که "دسترسى بیشتر به بازار، داروی همه دردها نیست" (همان: 25) و به این باور رسید که "دیدگاه غالب در مورد جهانی شدن باید از دل مشغولی تنگ‌نظرانه با بازارها به دل‌مشغولی گسترده‌تر با مردم تغییر کند" (همان: 14). طی این فرآیند مستلزم بازانديشي گسترده در نقش دولت‌ها جهت حمایت از نیروی کار و گسترش خدمات اجتماعی، گسترش سازوکارهای کنترل کننده سرمایه و نهادهای متکی بر مردم در راستای توانمندسازی نیروی کار در مواجهه با سرمایه است. توجه به بنیادهای فقر، از قبیل بی سوادى، کم‌مهارتی، بیماری و فشار به دولت‌ها برای تلاش در جهت کاهش و رفع این معضلات از جمله مهم ترین

گام‌های موثر در این فرآیند می‌باشد.

1. استگلیتز، جوزف ، (2005) . جهانی شدن ، بازارهای نوظهور و اقتصاد نوین ، ترجمه احمد علیقلیان ، افشین خاکباز ، طرح نو.
2. بانک جهانی با همکاری وزارت مسکن و شهرسازی ، (1382) . سلسله گزارشات تدوین استراتژی بخش مسکن در ایران.
3. بیرچام ، اما . چارلتون، جان ، (1383) . **ضد سرمایه داری**، ترجمه اقبال طالقانی، نشر قطره .
4. تاب، ویلیام ، (1383) . **فیل بی اخلاق، جهانی شدن و مبارزه برای عدالت اجتماعی** ، ترجمه حسن مرتضوی، نشر دیدگر.
5. تارو، لستر، (1376) . **آینده سرمایه داری، تغییر و تحول ساختاری در نظام سرمایه داری**، ترجمه عزیز کیانوند، نشر دیدار.
6. راغفر، حسین، (تابستان 1384) . **فقر و ساختار قدرت در ایران** ، مجله رفاه اجتماعی شما ره 17.
7. سازمان مدیریت و برنامه ریزی، UNDP ، (1382) . **گزارش توسعه انسانی سال 2003**، موسسه فرهنگی ابن سینای بزرگ.
8. سن، آمارتیا ، (1379) . **برابری و فقر** ، ترجمه حسن فشارکی، نشر شیرازه .
9. سوئیزی، امین، گلداف، اریکی ، (1380) . **جهانی شدن با کدام هدف؟**، ترجمه ناصر زرافشان، نشر آگاه .
10. سیف، احمد ، (بهمن 1378) . **جهانی شدن تولید و تجارت**، مجله اندیشه جامعه، شماره 9.
11. کاستلز، مانوئل، (1382) . **عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه ای**، ترجمه احمد علیقلیان، افشین

- خاکباز، طرح‌نو.
12. کمیسیون جهانی بررسی ابعاد جهانی شدن ، (1384). **جهانی شدن منصفانه، ایجاد فرصت برای همه**، ترجمه عبدالاحد ع لیقلیان، انتشارات علمی و فرهنگی.
13. گریفین، گیت، (1378). **مروری بر جهانی شدن و گذار اقتصادی**، ترجمه مجتربا فرزین، سازمان برنامه و بودجه.
14. مرکز آمار ایران (82-1375). **نتایج آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری**.
15. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال های 1382 و 1375.
16. معاونت امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، (1382). **مجموعه عملکردهای اصلاحات و اقدامات توسعه ای جمهوری اسلامی ایران در زمینه فقرزدایی (جهت ارائه به اجلاس دی -8)**.
17. معاونت امور اجتماعی. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با همکاری دفتر سازمان ملل در ایران، (1384). **اولین گزارش اهداف توسعه هزاره جمهوری اسلامی ایران 1383**.
18. موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، (1380). **مجموعه گزارش‌های همایش چالش‌های و چشم اندازهای توسعه، دفترهای اول و دوم**.
19. نگری، آنتونیو، هارت، مایکل، (1384). **امپراتوری**، ترجمه رضا نجف زاده، نشر قصیده‌سرا.
20. واترز، مالکوم، (1376). **جهانی شدن**، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، سازمان

- مدیریت صنعتی.
21. یزدانی بروجنی، فرشید ، (1381) . **تاثیر جهانی شدن بر بازار نفت (با تاکید بر WTO)** ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
22. یغمائیان، بهزاد . سخنرانی در پائیز 1378 در مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
23. یونیسف، (2005) . **گزارش وضعیت کودکان جهان در سال.**
24. Fisher, Stanley, (2003). "**Globalization and its challenges**".
25. Harvey, David, (1989). "**The Condition of Postmodernity**" Black Well, usa.
26. [WWW.Global Policy.org](http://WWW.Global Policy.org). (2004)
27. [WWW.WTO.Org](http://WWW.WTO.Org). (2004)





